

طرح حل مساله فلسطین و رژیم صهیونیستی نماد عینی شکست دونالد ترامپ در حوزه سیاست خارجی است

# معامله قرن مرده به دنیا آمد



خواهند شتافت. در صورت فعال شدن جبهه‌های داخلی در کرانه باختری علیه رژیم صهیونیستی، مقاومت موجود در غزه نیز بهتر خواهد توانست ضربات خود را بر رژیم صهیونیستی وارد کند.

## جهان اسلام و محوریت مجدد فلسطین

تحولات بیداری در منطقه شمال آفریقا و غرب آسیا که با دخالت کشورهای غربی تغییر مسیر داد، باعث شد در این مدت هر چیزی جز مساله فلسطین تبدیل به اولویت جهان اسلام و بخش عربی آن شود. کشورهای متحد آمریکا در منطقه مانند عربستان سعودی، امارات و ترکیه با جمع آوری صدها هزار ترویرست از سراسر جهان به یکی از اصلی ترین مراکز پشتیبانی مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی یعنی سوریه حمله کردند. پشتیبانی این کشورها از گروه‌های ترویرستی همچنین باعث شد عراق در طول سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ درگیر مقابله با خلافت داعش در این کشور شوند. در سال ۲۰۱۵ عربستان سعودی با تشکیل اسمی یک ائتلاف نظامی با حضور بیش از ۳۰ کشور مسلمان به یمن حمله کرد. متحدان آمریکا در طول این سال‌ها تمامی تلاش خود را برای تضعیف اندیشه و توان گروه‌های مقاومت به کار گرفتند و در مقابل سعی در نزدیک کردن رژیم صهیونیستی داشتند. سیاست «امنیتی سازی» ایران در جهان که خواستار معضل نشان دادن ایران در فضای بین المللی بود، در عرصه جهان عرب به دشمن بودن ایران تبدیل شد. کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس قصد داشتند در این سیاست با زدن چهره دشمنی صهیونیست‌ها با مسلمانان و اعراب، ایران را دشمن اصلی کشورهای عرب و مسلمان معرفی کنند. هرچند هنوز زخم‌های تحولات در غرب آسیا التیام نیافته و سوریه، عراق و یمن با دشمنان شان در حال نبردند، اما اقدام دونالد ترامپ در رونمایی از معامله قرن، تلنگری به دولت‌ها و به ویژه ملت‌های مسلمان منطقه زد. با اعلام طرح ترامپ، حالا سیاست دشمن انگاری ایران هم با خطر فروپاشی روبه‌رو شده است. بار دیگر مساله فلسطین به صدر موضوعات دولت‌های مسلمان و مردم‌شان راه یافته است. این راه یافتن باعث بهتر شدن وضعیت برای فلسطینی‌ها برای مقابله با رژیم صهیونیستی خواهد شد. طرح ترامپ بقدری یکسویه و غیرقابل

می‌کرد و دوم هم سرکوب اندیشه‌های مقاومتی در مردم این منطقه بود. به دلیل سرکوب گروه‌های مقاومت در کرانه باختری، مردم آن نیز از دستیابی به اندیشه‌ها و ابزارهای مقاومت محروم ماندند. در صورت فروپاشی همکاری‌های امنیتی، فلسطینی‌های مسئول در تشکیلات خودگردان و آزاد گذاشتن مردم در این منطقه، هر دو مانع تسلیح کرانه باختری رفع خواهد شد. در صورت تسلیح این منطقه رژیم صهیونیستی با مشکلی وحشتناک‌تر از غزه روبه‌رو خواهد شد. برای بررسی این مساله نیاز به ارائه برخی آمارهاست. در حالی که نوار غزه در گوشه جنوب غربی مناطق مسکونی فلسطین واقع شده، کرانه باختری در قلب سرزمین‌های اشغالی و در کنار مناطق اصلی جمعیتی صهیونیست‌هاست. نزدیکترین فاصله بین نوار غزه تا تل آویو پایتخت رژیم صهیونیستی ۷۰ کیلومتر است، اما در مقابل فاصله منطقه «سامارا» در کرانه باختری با فردگاه بین المللی دیوبند بن گورین تل آویو تنها ۶ کیلومتر است. به عبارت بهتر نزدیکترین فاصله با مرکز رژیم صهیونیستی از کرانه باختری، ۱۰ برابر کوتاه‌تر از فاصله نوار غزه تا مرکز این رژیم است. فلسطینی نشین شکل گرفته است. این مساله علاوه بر اقدامات تشکیلات خودگردان، در اظهارات مقامات صهیونیستی و گزارش‌های رسانه‌های این رژیم نیز مشهود است. برگزاری رسمی چند روزمایش مشترک میان نیروهای امنیتی دوطرف و دیدارهای مدام بین مسئولان امنیتی تشکیلات خودگردان و رژیم صهیونیستی، نمونه‌هایی از همکاری نزدیک در حال اشکنازی، رونما عبری زبان «معاربو» سال ۲۰۱۵ به نقل از گابی اشکنازی، رئیس سابق ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی نوشت: «این همکاری‌ها در درجه اول همکاری امنیتی و در درجه دوم همکاری در جنگ‌های میدانی مشترک علیه مقاومت فلسطین و در غزه است.» برای نمونه ارتش رژیم صهیونیستی و تشکیلات خودگردان فلسطین در کنار یکدیگر طی جنگ ۵۱ روزه سال ۲۰۱۴ با گروه‌های مقاومت در غزه جنگیدند. در این جنگ ۲۰۴۰ فلسطینی به شهادت رسیده و ۱۰۱۹۶ تن دیگر زخمی شدند. به گفته «شهاباک» [سرویس امنیت داخلی رژیم صهیونیستی] سرویس‌های امنیتی تشکیلات خودگردان از ابتدای سال ۲۰۱۵ تا اواسط آن ۱۷ عملیات استشهادهای را در اراضی اشغالی خنثی کردند. این عملیات‌ها شامل طرح‌ریزی پنج عملیات استشهادهای توسط جنبش حماس و پنج عملیات نیز توسط دیگر گروه‌ها انجام شده و هفت عملیات فردی بوده است. به گفته منابع فلسطینی، حدود هزار نفر از اعضای گروه‌های مقاومت اسلامی فلسطینی از جمله حماس و جهاد اسلامی در زندان‌های تشکیلات خودگردان در کرانه باختری به سر می‌برند.

تشکیلات خودگردان فلسطین با چنین رویکردی، به‌طور حتم پس از معامله قرن تغییر رویه می‌دهد. به دنبال رونمایی از این طرح، محمود عباس گفته است که دیگر مانع برگزاری تظاهرات‌های ضد صهیونیستی در کرانه باختری نخواهد شد و همچنین قصد دارد روابط خود با آمریکا و رژیم صهیونیستی را قطع کند. رویکردانی رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین به‌عنوان یکی از ستون‌های سازش با رژیم صهیونیستی، می‌تواند تبعات سنگینی برای امنیت رژیم صهیونیستی داشته باشد.

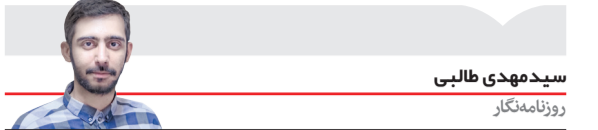
## تشکیلات خودگردان و امنیت رژیم صهیونیستی

تصور همسویی محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان با گروه‌های مقاومت فلسطینی، تقریباً چیزی شبیه معجزه است. عباس پس از یاسر عرفات، دومین چهره فلسطینی است که از آن می‌توان به نماد سازش و مذاکره با طرف صهیونیستی یاد کرد. او با وجود اینکه متولد شهر صفد در داخل مرزهای ۱۹۴۸ است، در پاسخ به سوال خبرنگاری درباره احتمال سفر به زادگاهش اعلام کرده که اگر چنین کاری بکند تنها به‌عنوان یک گردشگر خواهد بود. محمود عباس و تشکیلاتش در بیش از یک‌دهه گذشته، نقش بازی عربی نهاد‌های امنیتی رژیم صهیونیستی را بازی کرده‌اند. این تشکیلات، ساختاری شبه‌دولتی است که وظیفه امور داخلی فلسطین را برعهده دارد. این دولت بر اساس مذاکرات صلح میان سازمان فتح و رژیم صهیونیستی شکل گرفته است. این تشکیلات به‌عنوان آغاز گامی برای تشکیل دولت فلسطین ایجاد شد اما کارکردهای آن بعدها نشان داد که در اصل برای تأمین امنیت رژیم صهیونیستی در داخل سرزمین‌های فلسطینی نشین شکل گرفته است. این مساله علاوه بر اقدامات تشکیلات خودگردان، در اظهارات مقامات صهیونیستی و گزارش‌های رسانه‌های این رژیم نیز مشهود است. برگزاری رسمی چند روزمایش مشترک میان نیروهای امنیتی دوطرف و دیدارهای مدام بین مسئولان امنیتی تشکیلات خودگردان و رژیم صهیونیستی، نمونه‌هایی از همکاری نزدیک در حال اشکنازی، رونما عبری زبان «معاربو» سال ۲۰۱۵ به نقل از گابی اشکنازی، رئیس سابق ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی نوشت: «این همکاری‌ها در درجه اول همکاری امنیتی و در درجه دوم همکاری در جنگ‌های میدانی مشترک علیه مقاومت فلسطین و در غزه است.» برای نمونه ارتش رژیم صهیونیستی و تشکیلات خودگردان فلسطین در کنار یکدیگر طی جنگ ۵۱ روزه سال ۲۰۱۴ با گروه‌های مقاومت در غزه جنگیدند. در این جنگ ۲۰۴۰ فلسطینی به شهادت رسیده و ۱۰۱۹۶ تن دیگر زخمی شدند. به گفته «شهاباک» [سرویس امنیت داخلی رژیم صهیونیستی] سرویس‌های امنیتی تشکیلات خودگردان از ابتدای سال ۲۰۱۵ تا اواسط آن ۱۷ عملیات استشهادهای را در اراضی اشغالی خنثی کردند. این عملیات‌ها شامل طرح‌ریزی پنج عملیات استشهادهای توسط جنبش حماس و پنج عملیات نیز توسط دیگر گروه‌ها انجام شده و هفت عملیات فردی بوده است. به گفته منابع فلسطینی، حدود هزار نفر از اعضای گروه‌های مقاومت اسلامی فلسطینی از جمله حماس و جهاد اسلامی در زندان‌های تشکیلات خودگردان در کرانه باختری به سر می‌برند.

تشکیلات خودگردان فلسطین با چنین رویکردی، به‌طور حتم پس از معامله قرن تغییر رویه می‌دهد. به دنبال رونمایی از این طرح، محمود عباس گفته است که دیگر مانع برگزاری تظاهرات‌های ضد صهیونیستی در کرانه باختری نخواهد شد و همچنین قصد دارد روابط خود با آمریکا و رژیم صهیونیستی را قطع کند. رویکردانی رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین به‌عنوان یکی از ستون‌های سازش با رژیم صهیونیستی، می‌تواند تبعات سنگینی برای امنیت رژیم صهیونیستی داشته باشد.

## تسلیح کرانه باختری و تشدید مقاومت غزه

یکی از تبعات رونمایی از معامله قرن برای طرف آمریکایی و صهیونیستی، تقویت روحیه مقاومت در غزه و سرزمین‌های اشغالی است. در سال‌های اخیر یکی از سیاست‌های کشورها و گروه‌های محور مقاومت، تسلیح کرانه باختری رود اردن بوده است. این اتفاق آن گونه که در غزه افتاد، در کرانه باختری شکل نگرفت، چراکه همواره دو مانع بر سر راه این رخداد بوده؛ اول اینکه تشکیلات خودگردان در سرکوب گروه‌ها و افراد مقاومت در کرانه باختری با صهیونیست‌ها همکاری



سید مهدی طالبی روزنامه‌نگار

تیرماه سال جاری که بخش اقتصادی «معامله قرن» دونالد ترامپ و خانواده‌اش برای حل مساله فلسطین و رژیم صهیونیستی رونمایی شد، تحلیلگران این بخش را ایفا کننده نقش موتور محرک معامله قرن دانستند و گفتند که اگر این بخش ناکارآمد باشد، سایر بخش‌ها و به‌ویژه بخش سیاسی آن، مجال طرح هم پیدا نخواهد کرد، چه برسد به اینکه اجرا شود. این موضوع را تلویحا جرد کوشنر طراح معامله قرن و داماد دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا تأیید کرد. او گفته بود که «وقتی وارد این پرونده شدیم در پی طراحی راه‌حل سیاسی بودیم، اما خیلی زود متوجه شدیم که بدون تعیین چشم انداز اقتصادی نمی‌توان راه‌حل سیاسی را تثبیت کرد. به نظر ما بخش اقتصادی طرح رکن اصلی راه‌حل است.» با این حال بخش اقتصادی طرح با موافقت فلسطینی‌ها همراه نشد و آنها حتی در نشست رونمایی از بخش اقتصادی معامله قرن شرکت نکردند تا از همان ابتدا مشخص شده باشد که سرنوشت این طرح چگونه رقم خواهد خورد. معامله قرن، بخشی از کلیت سیاست خارجی شکست خورده‌ای است که ترامپ در سه سال گذشته تجربه کرده است. در تمام اقدامات وی در سیاست خارجی، رد پای یکجانبه‌گرایی افراطی‌اش به چشم می‌خورد، اما برآیند تمام آنچه را او فکر و به آن عمل می‌کند می‌توان در معامله قرن دید. در هفته‌های گذشته که آمریکا از این طرح رونمایی کرد، بسیاری از تحلیلگران نوشتند این طرح «مرده» به دنیا آمده است و می‌تواند اثر منفی بر نقش آمریکا در آینده منطقه داشته باشد.

طرحی که داماد ترامپ برای حل مساله فلسطین پس از خواندن ۲۵ کتاب، در ۸۰ صفحه تدوین کرده است، هرچند مدعی تشکیل دو دولت در فلسطین است اما عملاً به مفهوم یک دولت صهیونیستی با مجموعه‌ای از بخش‌های تکه‌تکه به‌نام فلسطین است که به وسیله پل، جاده و تونل قرار است به هم وصله شوند. علاوه بر این هم گسیختگی جغرافیایی، در طرح ترامپ، اصلی ترین محل مورد منازعه یعنی قدس، از آن صهیونیست‌هاست و فلسطینی‌ها تنها می‌توانند در حومه این شهر مقدس پایتخت‌شان را تشکیل دهند. فلسطین بر اساس معامله قرن، کشوری فاقد ابزارهای دفاعی و تحت نظارت ارتش صهیونیستی خواهد بود. بر این اساس، موشک‌ها و سلاح‌های تمام گروه‌های مقاومت باید تحویل داده شود و تنها تشکیلات خودگردان اجازه خواهد داشت، سلاح‌های سبک در اختیار داشته باشد. البته اینها به‌منزله تشکیل کشور فلسطین نیست و فلسطینی‌ها با پذیرش تمام آنچه در طرح آمده، پس از چهارسال امکان داشتن یک کشور تکه‌تکه را دارند. اینکه آنها به مفاد طرح وفادار مانده‌اند، موضوعی است که باید از سوی صهیونیست‌ها تأیید شود و اگر این اتفاق نیفتد، آنها همچنان فاقد کشور تلقی می‌شوند. این البته تمام تعهدات فلسطینی‌ها نیست و آنها باید بخشش‌های دیگری به نفع صهیونیست‌ها داشته باشند. مشخص نیست ترامپ و دامادش چه پیش فرضی درباره فلسطین داشته‌اند که چنین طرح یکجانبه‌ای را تنظیم کرده‌اند و توقع دارند طرف فلسطینی نیز آن را بپذیرد. طرح مشترک ترامپ، نتایج و کوشش آنقدر دور از واقعیت‌های میدانی است که حتی پذیرش آن برای سازش‌کارترین چهره فلسطینی همچون محمود عباس، دور از ذهن باشد. با این حال این طرح مرده به دنیا آمده، می‌تواند نقش آتش را برای شعله‌ورتر شدن انتفاضه مردم فلسطین ایفا کند.

## معامله‌ای متفاوت با طرح‌های دیگر

پس از پایان جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۱۷ ارتش بریتانیا وارد فلسطین شد تا مفاد اعلامیه بالفور برای تبدیل فلسطین به سرزمینی یهودی را مهیا کند. سه‌دهه بعد این اتفاق افتاد و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ تشکیل شد. جنگ‌های بی‌دری اعراب و فلسطینیان باعث شد آمریکا ابرقدرت سربرآورده از جنگ جهانی دوم، با غرب آسیا بگذارد و تلاش کند این بحران را حل کند. از میانه سال ۱۹۶۷، تلاش‌ها برای طرح‌های صلح بین اعراب و رژیم صهیونیستی آغاز شد. از مفاد طرح این ارائه شده در آن زمان همچون طرح صلح راجرز این گونه برداشت می‌شد که طرف غربی حداقل معتقد به مالکیت فلسطینی‌ها بر بخش‌هایی از سرزمین شان بود. به‌عنوان نمونه در طرح ویلیام راجرز، وزیر امور خارجه آمریکا او پیشنهاد آتش‌بس ۹۰ روزه و عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی به مرزهای سال ۱۹۴۷ را برای برقراری صلح در خاورمیانه به مصر، اردن، رژیم صهیونیستی و اتحاد جماهیر شوروی ارائه کرد. در سایر طرح‌ها و کنفرانس‌هایی که به اسم صلح بین اعراب و رژیم صهیونیستی یا به عبارت بهتر حل مساله فلسطین و رژیم صهیونیستی بود، غربی‌ها و به‌ویژه آمریکایی‌ها تلاش کردند دوطرف را پشت میز مذاکره بنشانند و به توافقی برای حل مساله فلسطین دست پیدا کنند. آمریکایی‌ها البته در زمان‌هایی که اعتراضات فلسطینی‌ها افزایش پیدا می‌کرد و به قیام منجر می‌شد، ریزینی‌ها ایشان را برای تأمین امنیت تل آویو سرعت می‌بخشیدند. به‌عنوان نمونه با شروع انتفاضه اول فلسطینیان در پاییز سال ۱۹۸۷ بوش پدر رئیس جمهور آمریکا و جیمز بیکر وزیر امور خارجه این کشور با همکاری اتحاد جماهیر شوروی کنفرانس مادرید را طرح‌ریزی کردند که در آن رژیم صهیونیستی، سازمان آزادی بخش فلسطین، کشورهای عربی سوریه، لبنان، مصر و اردن حضور داشتند. در پیمان اسلو (۱۹۹۳) هم طرف فلسطینی حضور داشت. در آن دوران آمریکایی‌ها نشانه موفقیت مذاکرات را در حضور دوطرف می‌دانستند و بر همین اساس بیل کلینتون، اسحاق رابین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و یاسر عرفات رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین را به کاخ سفید دعوت کرد تا پس از امضای توافقنامه، در مقابل دوربین‌ها با هم دست بدهند. در مذاکرات شرم الشيخ ۱ و ۲، کمپ دیوید ۲، تابا، آنابولیس و حتی مذاکرات مستقیم ۲۰۱۱ هم طرف فلسطینی به‌عنوان یکی از پایه‌های توافق احتمالی آینده حضور داشتند. هرچند بسیاری از این توافقنامه‌ها و مذاکرات صلح به دلیل عدم اجرای تعهد صهیونیست‌ها هیچ‌گاه جنبه عملی به خود نگرفت، با این حال فلسطینی‌ها همواره یک طرف توافقاتی بودند که با ابتکار آمریکایی‌ها طراحی شده بود. برای معماران مذاکرات، حضور فلسطینی‌ها در یک سوی میز، به معنای موفقیت نسبی آنها در روند اجرای صلح به شمار می‌رفت. در طرح ترامپ اما طرف فلسطینی هیچ سهمی در تدوین و تغییر طرح نداشته و کلیت آن با هماهنگی رژیم صهیونیستی و توسط چند صهیونیست به رهبری جرد کوشنر، داماد ترامپ تهیه شده است. اینکه این طرح یکطرفه چقدر قابلیت اجرا دارد، سوالی است که نه در فلسطین و منطقه، حتی در غرب نیز درباره آن شک و شبهه‌های فراوانی وجود دارد.

اجراست که در اتحادیه عرب هم با آن مخالف شده است. علاوه بر فضای داخلی جهان اسلام و دنیای عرب در عرصه بین المللی، واکنش‌ها به معامله قرن نشان می‌دهد نگاه‌های بین المللی به این نقطه متمرکز شده‌اند. گروهی از کشورها با طرح معامله قرن مخالف هستند، تعدادی از قدرت‌های بین المللی برای تضعیف موقعیت آمریکا که این طرح را یکجانبه اعلام کرده آن را رد کرده‌اند و گروهی از کشورهای دیگر مانند کشورهای اروپایی این طرح را به دلیل ترس از تبعات امنیتی آن روی این قاره نپذیرفته‌اند. این مواضع جدا از اعتراضات مردمی است که در کشورهای مسلمان و غیرمسلمان به راه افتاده است. طرح ترامپ آنقدر احمقانه است که حتی در سرزمین‌های اشغالی، صهیونیست‌ها به خیابان آمده‌اند و از این طرح ابزار انزجار کرده‌اند. بی‌هویتی این طرح تا جایی است که بر اساس نظرسنجی «موسسه دموکراسی اسرائیل» نیمی از صهیونیست‌ها آن را به تلاش ترامپ برای دخالت در انتخابات رژیم صهیونیستی و پیروزی نتانیاهو پیوند زده‌اند.

آگهی تغییرات شرکت آبین کاغذ سنگی سهمی خاص به شماره ثبت ۵۴۷۰۰۷ و شناسه ملی ۰۶۷۳۵/۰۸۶/۱۴۰ به استناد صورتجلسه هیات مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۰ تصمیحات ذیل اتخاذ شد: کلیه سرمایه تعهدی شرکت توسط صاحبان سهام پرداخت گردیده است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۶۲۶۴۸)